

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی - قرآنی»
سال پنجم، شماره سوم (پاییز ۱۳۹۶)

هارمونی، آهنگ و سجع در ترجمه آلمانی قرآن کریم

دکتر علی رجائی^۱

چکیده

تا چه میزان در ترجمه‌های متون قرآنی "آهنگ" و "فرم" آیات و سوره‌های قرآن رعایت می‌گردد و تا چه میزان این اصول مهم متن قابل ترجمه هستند در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر متنی دارای ابعاد مختلفی است و از نظر شکل و آهنگ نیز متون دینی دارای پیام خاصی هستند، که از جهت تأثیرگذاری خاص بر مستمعین دارای اهمیت فراوانی است. این ویژگی‌های مهم متنی بایستی لزوماً در ترجمه منعکس شوند.

در تحقیق حاضر سعی می‌گردد، به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع موجود و تحقیق در متون دینی - مذهبی، این مشخصه‌ها و معیارهای متن در ترجمه‌های آلمانی قرآن کریم توسط فریدریش روکرت (Friedrich Rückert 1788 - 1866) بررسی گردد و به این سؤال پاسخ داده شود، که تا چه میزان این ترجمه از قرآن موفق به انتقال شکل و لحن بیان متن اصلی خود شده است. با مثالهای مختلف از سوره‌های آهنگین و کوچک قرآن و در مقایسه با ترجمه‌های فارسی این ظرافتهای ادبی و زبانی مهم متون دینی بررسی می‌گردد و کیفیت ترجمه در مقابل اصل متن قرآنی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه‌های آلمانی قرآن، فرم و آهنگ در ترجمه، شکل و لحن بیان در متون دینی، فریدریش روکرت.

** تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۰۱

۱ - استادیار گروه زبان، دانشگاه اراک a-radjaie@araku.ac.ir

مقدمه

ترجمه‌های ادبی و دینی از مشکل‌ترین نوع ترجمه هستند، چون متون آنها دارای حساسیت خاصی است و ظرافت، دقت و لطافت ویژه‌ای را می‌طلبند. متن اصلی و عربی قرآن کریم دارای نوعی اصالت خاص ادبی و بیان شیوا و غیرقابل تقلیدی است، که کمتر متن مقدس و ادبی دارای آن ویژگی هاست. اینک: - "تا چه میزان ابعاد گوناگون آیات بی نظیر قرآن در ترجمه به زبانهای دیگر و خاصه در زبان آلمانی مراعات یا حفظ می‌شود؟" و بخصوص این که: - "آیا انتقال آهنگ، لحن و هارمونی آیات قرآن به زبانی دیگر ممکن است؟" در این تحقیق مورد پژوهش قرار می‌گیرد. این سئوالات با اصول بسیار مهم و معیارهای عالی یک ترجمه موفق در ارتباط مستقیم قرار دارند، که سعی می‌شود در اینجا بررسی گردیده و بطور مستند و مستدلی پاسخ داده شوند.

در زبان آلمانی از دیرباز ترجمه‌های مختلفی از قرآن کریم ارائه شده است، ولی اکثر آنان از انعکاس ابعاد آهنگین، موزون و ظرافتهای ادبی و معجزه آسای زبانی قرآن عاجز بوده اند و به انتقال مفاهیم اصلی و دقایق محتوایی و واژگانی بسنده کرده‌اند.

تنها یک ترجمه از سوره‌های برگزیده قرآن که توسط فریدریش روکرت مترجم نابغه و شاعر خوش ذوق آلمانی انجام شده تا حدود زیادی به این گونه جنبه‌های آیات عظیم قرآنی توجه نموده است و سعی فراوان کرده تا مشابه سبک و قالب زبانی قرآن در زبان آلمانی را بازسازی نماید. موفقیت مترجم آلمانی در این هدف عالی زبانزد متخصصین بزرگ ترجمه و ادبیات مقایسه‌ای ایران و آلمان است. اکثر شرق شناسان این نابغه تکرارنشدنی ترجمه دنیا را ستوده اند و آثار او را بی نظیر دانسته‌اند. در این مجال سعی می‌شود تا میزان کیفیت و دقت این ترجمه زیبا از قرآن در مقایسه با دیگر ترجمه‌ها سنجیده شود و نتایج آن ارائه گردد.

با توجه به نظریات مختلف پیرامون وابستگی متقابل فرم و محتوای متن به هم و اینکه معمولاً فرم هر متنی با اهداف خاصی در ارتباط است، قصد بررسی این نکته مهم مد نظر است، که تا چه میزان این ترجمه آلمانی به فرم و شکل متن اصلی خود (قرآن) نزدیک شده است؟ در این پژوهش به این سؤال پاسخ داده می‌شود، که آیا انعکاس فرم‌های خاص و ساختارهای زبانی و بیانی قرآنی در زبان آلمانی اصولاً امکان‌پذیر می‌باشند یا نه؟ و مترجم تا چه میزان در این موضوع موفق بوده است؟

به منظور تمرکز بر موضوع و ارائه نمونه‌های بارز و شاخص، در اینجا به دلیل محدودیت‌های مختلف، به مقایسه چندین سوره کوچک از آخرین سوره‌های قرآن با ترجمه آلمانی آن بسنده می‌گردد. این در حالی است، که مترجم در سراسر ترجمه‌های خود سعی نموده است تا عناصر مورد نظر بررسی شده در این مقاله را تا حدود زیادی رعایت نماید و بطور چشمگیری نیز موفق بوده است.

۱. علل گرایش به ترجمه‌های منظوم و موزون

در عصر کلاسیک و رمانتیک در آلمان، یعنی بین سالهای ۱۷۸۶ تا ۱۸۳۰ ادبا و شعرای بزرگ آلمان بارها از مترجمین تقاضا کردند، تا با علم و هنر ترجمه ویژگی‌ها و برجستگی‌های آثار مهم و شاهکارهای ادبی دیگر ملت‌ها را به ملت آلمان نشان دهند و در این راستا نهضت ترجمه رشد چشمگیری یافت. به منظور تقویت زبان مادری و الهام گرفتن از آثار دیگر کشورها در توسعه ادبیات و هنر ملی ترجمه‌های بی‌نظیر و ماندگاری در اروپا خلق شدند.^۱

فریدریش روکرت نیز در همین مسیر از پیشگامان ترجمه و از نوایغ بزرگ تاریخ ترجمه در دنیا شناخته می‌شود و آثار حیرت برانگیزی در ترجمه از زبانهای شرقی و بخصوص ایران و ادبیات فارسی از خود به یادگار گذاشته است.^۲ استعداد فراوان او در برگردان قالب‌های شعری از دیگر زبانها به آلمانی باعث شده تا عنوان "استاد فرم و قالب‌های شعری"^۳ را به او بدهند. او در سالهای ۲۶-۱۸۲۰ نسبت به انتخاب و برگزیده‌ای از قرآن کریم همت نمود، در حالی که در مقام استاد دانشگاه Erlangen آلمان در رشته شرق‌شناسی به تدریس مشغول بود.

منبع اصلی او برای ترجمه مطابق با تحقیقات گسترده ایرانشناسان بزرگ متن عربی - لاتین قرآن، منتشر شده توسط Paters Ludovico Marracci بوده است. همچنین از اولین چاپ عربی قرآن منتشر شده توسط Abraham Hinkelmann 1695 بهره برده است. او در مکاتباتش با نویسندگان معروف زمان خود و با ناشرین بارها بر این نکته تأکید نموده، که سبک و زبان قرآن بسیار شاعرانه و ادبی است و از ابعاد وسیع هنرمندانه برخوردار است. تاریخ‌شناس مشهور مسیحی Veit Engelhardt در همان عصر با شناختی که از معجزه زبانی قرآن و استعداد ادبی روکرت داشته است، پیشنهاد کرده بود، که بهترین مترجم قرآن می‌تواند فقط فریدریش روکرت باشد و اوست که می‌تواند ترجمه برابر و شایسته‌ای از قرآن ارائه کند.^۴ این نه تنها به خاطر ترجمه‌های عالی او به آلمانی، بلکه به دلیل ذوق

۱- مقایسه شود با بخش مربوط به "دوره رمانتیک" در کتاب "درآمدی بر ادبیات آلمان"، ص. ۱۲۲، ۱۲۹ و ۱۳۳:

Radjaie, Ali: *Einführung in die deutsche Literatur*; Literaturgeschichte, Epochen, Payame Digar (Arak-University) Publikation, Arak 2016, S. 122, 129 und 133.

۲- در این خصوص ر. ج. به آثار شرق‌شناس بزرگ خانم پروفیسور آنه‌ماری شیمل، که آثار روکرت را در مجموعه‌های ارزشمندی ارائه نموده است:

Schimmel, Annemarie: *Orientalische Dichtung in der Übersetzung F. Rückerts*; Sammlung Dieterich Band 286, Bremen 1963.

Friedrich Rückert: *Werke*; ausgewählt und hrsg. von A. Schimmel, in 2 Bde, Frankfurt 1988.

۳- مهمترین اثر در ارتباط با معرفی ویژگی‌های ترجمه روکرت به همراه بیوگرافی زندگی او را می‌توان در این اثر ماندگار یافت:

Prang, Helmut: *Friedrich Rückert, Geist und Form der Sprache*; Schweinfurt und Wiesbaden 1963..

۴- مقایسه شود با مقدمه قرآن، و مقالات پروفیسور هارتموت بوبزین:

Bobzin, Hartmut: *Der Koran in der Übersetzung von Friedrich Rückert*; Ergon-Verlag, Würzburg 1996, S. IXff.

عظیم شاعرانه، که در وجود او نهفته بوده و منجر به انتشار بیش از دوازده جلد اشعار منظوم و عالی‌رتبه توسط روکرت به زبان آلمانی شده بود، می‌باشد.^۱

تا قبل از زمانی که روکرت به ترجمه قرآن پردازد، هفت ترجمه پراکنده و برگزیده از قرآن منتشر شده بود، که چهار ترجمه از آنها از زبان لاتین برگردان شده بودند، نه مستقیم از زبان عربی، که لاجرم دقت لازم را در محتوی و فرم نداشتند. روکرت این توانایی بزرگ را داشت، که به هر دو زبان لاتین و عربی مسلط بود. پس از ترجمه بخش‌ها و سوره‌های برگزیده‌ای از قرآن با ناشر خود شرکت بزرگ چاپ و نشر Brockhaus وارد مذاکرات شد، ولی به دلایل مختلف پذیرش چاپ و عقد قرارداد به تأخیر افتاد. روکرت علاوه بر تدریس در دانشگاه، به فعالیتهای فراوان دیگری بخصوص ترجمه آثار ادبی مشهوری چون "اسکندر نامه" نظامی مشغول بود و شاید هم به همین دلیل ادامه ترجمه قرآن را برای چندین سال به تأخیر انداخته باشد. او دوباره در سال ۱۸۳۶ یعنی سیزده سال بعد تعدادی دیگر از سوره‌ها را ترجمه نمود، که گویا به منظور تأمین منابع تدریس دانشگاهی بوده است. اما در عین حال روکرت هرگز فرصت کافی برای ترجمه کامل قرآن را به دست نیاورد و این اثر مهم پس از فوت وی جمع‌آوری و در سال ۱۸۸۸ میلادی توسط شرق شناس معروف August Müller منتشر گردیده است.^۲

سوره‌هایی که روکرت با مشابهت بسیار خوب و نزدیک با متن اصلی قرآن منتشر کرده است، عبارتند از:

سوره‌های شماره: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴.

لذا روکرت از ده سوره قرآن هیچ ترجمه‌ای ارائه نکرده، که عبارتند از: ۶۹، ۷۱، ۷۸، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۸، ۹۹، ۱۰۴.

۱- مجموعه آثار و اشعار روکرت در ۱۲ جلد در سال ۱۸۶۸ منتشر شدند:

Rückert, Friedrich: *Gesammelte poetische Werke*; in 12 Bänden, Sauerländer Verlag, Frankfurt 1868.

۲- مقایسه شود با مقدمه قرآن، پروفیسور هارتموت بوبزین؛ ص. ۲۳ و ۲۷:

Bobzin, Hartmut: *Der Koran in der Übersetzung von Friedrich Rückert*; Ergon-Verlag, Würzburg 1996, S. XXIII und XXVII.

برخی از سوره‌ها را نیز ناقص ترجمه کرده و به ترجمه بعضی از آیات آنها به دلخواه و گزینشی اقدام کرده است. برای مثال از سوره (مومن ۴۰) که دارای ۸۵ آیه است، فقط پنج آیه را ترجمه نموده است. از سوره (طلاق ۶۵) که دارای ۱۲ آیه است، فقط یک آیه را ترجمه کرده. اما همانطور که از مجموع شماره سوره‌های فوق مشاهده می‌گردد، به ترجمه قسمت اعظم سوره‌ها و آیات قرآن پرداخته است. علت این امر نیز عدم قطعیت چاپ این ترجمه توسط ناشر بوده است. اگر روکرت موفق به عقد قرارداد با انتشارات می‌شد و به دنبال آن عزم لازم را برای چاپ پیدا می‌کرد، حتماً اینگونه نواقص را برطرف می‌نمود. او اکثر سوره‌های کوچک قرآن را با لطافت و ظرافت بالایی ترجمه کرده و سعی نموده تا سبک و سیاق، جلال بیانی و زبانی قرآن را در ترجمه خلاقانه خود به خواننده آلمانی نشان دهد. او با اضافه نمودن توضیحاتی بر بعضی از آیات در ذیل هر صفحه، تا حدودی به تفسیر و توضیح ترجمه‌های خود پرداخته است، تا مشکلات احتمالی واژگانی و اسامی خاص قرآنی را برای علاقمندان برطرف کند، همان گونه که در توضیحات پایانی قرآن منتشر شده به زبان آلمانی قابل مشاهده است.

۲. تفکیک متون دینی بر اساس ساختارهای لحن و بیان

از دیرباز متخصصین، متون را به دسته‌های مختلفی تفکیک کرده‌اند، تا کاربرد آنها را بیشتر مورد بررسی قرار دهند. در مباحث عالی ترجمه از "انواع متون" یا به عبارتی Texttypen / Textsorte سخن در میان است،*^۱ که هر کدام به منظور خاصی تولید شده و دارای ویژگی‌های منحصر به خود هستند؛ زیرا هر متنی در زمان خاصی و برای تأثیرگذاری هدفمندی ایجاد می‌شود. به همین دلیل است که شرق شناسان، اسلام شناسان و دانشمندان قرآنی نیز تقسیم بندی‌هایی در مورد سوره‌های قرآنی انجام داده‌اند. ایشان با توجه به شرایط مختلف و زمان نزول سوره‌ها، متون قرآنی را به دسته‌های زیر طبقه‌بندی کرده‌اند، که معروفترین آنها متعلق به اسلام شناس بزرگ آلمانی تئودور نولدکه Theodor Nöldeke است، که برای اولین بار در سال ۱۸۶۰ این سبک شناسی قرآنی را انجام داده است:*^۲

۱- کالر، و.: مقدمه‌ای بر علم ترجمه؛ هایدلبرگ ۱۹۷۹، ص. ۴۴. و - رایس، کاتارینا: امکانات و مرز انتقاد در ترجمه؛ معیارهای قضاوت ترجمه، مونیخ ۱۹۸۶، ص. ۵۲.

Koller, W.: *Einführung in die Übersetzungswissenschaft*; Heidelberg 1979, S. 44.

Reiß, Katharina: *Möglichkeiten und Grenzen der Übersetzungskritik*; Kategorien und Kriterien für eine sachgerechte Beurteilung von Übersetzungen, Max Hueber Verlag, München 1986, S. 52.

۲- مقایسه شود با توضیحات قرآن، پروفیسور فیشر:

Fischer, Wolfdietrich: *Der Koran in der Übersetzung von Friedrich Rückert*; Ergon-Verlag, Würzburg 1996, S. 489ff.

• اولین دوره از سوره‌های مکی:

مشخصات مهم سوره‌های این دوره این است، که سوره‌ها کوتاه و شبیه به متون منظوم، ادبی و شعری هستند و اکثر آنها با انواع "قسم" آغاز می‌شوند، که بر اساس ترتیب زمان نزول احتمالاً این سوره‌ها می‌باشند: ۹۶، ۷۴، ۱۱۱، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۲، ۱۰۵، ۹۲، ۹۰، ۹۴، ۹۳، ۹۷، ۸۶، ۹۱، ۸۰، ۶۸، ۸۷، ۹۵، ۱۰۳، ۸۵، ۷۳، ۱۰۱، ۹۹، ۸۲، ۸۱، ۵۳، ۸۴، ۱۰۰، ۷۹، ۷۷، ۷۸، ۸۸، ۸۹، ۷۵، ۸۳، ۶۹، ۵۱، ۵۲، ۵۶، ۷۰، ۵۵، ۱۱۲، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱.

• دومین دوره از سوره‌های مکی:

از نظر زمانی به سختی می‌توان این سوره‌ها را زمان‌بندی دقیق کرد، چون تغییر سبک در آنها زیاد است. آنها بیشتر ساختار تبلیغی و حکایتی دارند و طولانی‌تر از دیگر سوره‌ها هستند: ۷۱، ۳۷، ۵۴، ۷۶، ۴۴، ۵۰، ۲۰، ۲۶، ۱۵، ۱۹، ۳۸، ۳۶، ۴۳، ۷۲، ۶۷، ۲۳، ۲۱، ۲۵، ۱۷، ۲۷، ۱۸.

• سومین دوره از سوره‌های مکی:

این سوره‌ها فرق زیادی با گروه دوم ندارند، ولی ساختار حکایتی آنها کمتر و از نظر خطاب زبانی بیشتر ابعاد تهدیدآمیز نسبت به اهالی مکه دارند و اغلب آنان را از دنیای آخرت و دادگاه روز قیامت بیم می‌دهند: ۳۲، ۴۱، ۴۵، ۱۶، ۳۰، ۱۱، ۱۴، ۱۲، ۴۰، ۲۸، ۳۹، ۲۹، ۳۱، ۴۲، ۱۰، ۳۴، ۳۵، ۷، ۴۶، ۶، ۱۳.

• سوره‌های مدنی:

سبک و لحن قرآن پس از هجرت پیامبر به مدینه کاملاً تغییر کرده است و در سوره‌های مدنی بیشتر موضوعات ارشادی، اعتقادی، توصیف و برخورد با منافقین و دیگر اقلیت‌های دینی و مشرکین و ارائه دستورات دینی مطرح است، که نتیجتاً دارای سبک خاص زبانی، آهنگ و هارمونی متناسب با شرایط خود هستند. اکثر علمای اسلامی و غربی در این خصوص اتفاق نظر دارند و ترتیب تاریخی این سوره‌ها می‌تواند چنین بوده باشد: ۲، ۹۸، ۶۴، ۶۲، ۸، ۴۷، ۳، ۶۱، ۵۷، ۴، ۶۵، ۵۹، ۳۳، ۶۳، ۲۴، ۵۸، ۲۲، ۴۸، ۶۶، ۶۰، ۱۱۰، ۴۹، ۹، ۵.

از تقسیم‌بندی‌های فوق در اینجا بیشتر چنین نتیجه‌گیری می‌شود، که کاربرد زبان در شرایط مختلف زمانی و مکانی و با توجه به نوع متن و اهداف تأثیرگذاری آن می‌تواند متفاوت باشد. "فقط با رعایت اصول، معیارها، خصوصیات و ویژگی‌های نوع و گروه متنی است، که ساختارهای درون هر متن و شاخص‌های تعیین‌کننده درون‌زبانی و بیرون‌زبانی هر متن اصلی را می‌توان واقع‌بینانه، با نگرشی تخصصی و عادلانه قضاوت کرد."*^۱ مطمئناً یک متن ارشادی و تبلیغی دارای آهنگ و لحن

۱- رایس، کاتارینا: امکانات و مرز انتقاد در ترجمه؛ معیارهای قضاوت ترجمه، مونیخ ۱۹۸۶، ص. ۲۴.

Reiß, Katharina: *Möglichkeiten und Grenzen der Übersetzungskritik: Kategorien und Kriterien für eine sachgerechte Beurteilung von Übersetzungen*, München 1986, S. 24.

متفاوتی نسبت به یک متن تهدیدآمیز، دستوری و یا یک متن تربیتی و حقوقی دارد، لذا به همان نسبت و میزان در ترجمه نیز لحن مخصوص خود را طلب می‌نماید.

از نظر قرائت، خوانش و زمان نزول نیز برای قرآن طبقه‌بندی‌های مختلفی وجود دارد؛ نسبت به این موضوع نیز مترجم آلمانی (روکرت) آگاهی لازم را داشته و حتی در تیترا برخی از سوره‌ها، واژه "مدنی" "medinisch" را افزوده و آنان را بدینوسیله از دیگر سوره‌ها تفکیک کرده است. او در این راستا از قرآن کوفی تبعیت نموده، که از برترین‌های موجود در زبانهای اروپائی آن زمان بوده است. اهمیت موسیقی و لحن بیان در دوره رمانتیک و عصر گوته بر کسی پوشیده نیست. از آنجا که فریدریش روکرت نیز در این عصر می‌زیسته و فردی مذهبی و معتقد و از احساسات عمیق مسیحی و عارفانه برخوردار بوده و در مقایسه با متون و اشعار کلیسایی، طنین و لحن قرآن برای وی مهم جلوه‌گر می‌نموده است، به انواع لحن و خطاب قرآن واقف بوده و نسبت به برگردان صحیح آن به زبان آلمانی نهایت سعی خود را داشته است.

یکی از نام‌آورترین محققین و شرق‌شناسان قرن حاضر، که به تمامی زبانهای شرقی مسلط است، در خصوص این ترجمه چنین اظهار نظر نموده است: "ترجمه روکرت تنها ترجمه‌ای از قرآن است، که در آن می‌توان به عظمت زبانی و قدرت ادبی قرآن (در زبان آلمانی) پی برد."*^۱ روکرت می‌خواهد با ترجمه آهنگین خود از قرآن - به سبک خود قرآن - توجه خوانندگان عصر رمانتیک را به عرصه‌های مختلف زبان قرآن جلب نماید و با الحان مختلف: جذاب زبانی، مسحور کننده، گیرا، تهدیدکننده، خوف‌برانگیز، رحم‌برانگیز، هدایت‌گر، آگاهی‌بخش و ... آشنا سازد. او قصد دارد با این ترجمه ابعاد زیباشناختی و اعجاز زبانی قرآن را به خوانندگان عصر خود نشان دهد، چون خود او نابغه‌ای زبانی و شیفته چنین فرمها و قالب‌های بیانی است و چنین اهدافی را در آثار بی‌شمار خود به زبان آلمانی به نمایش گذاشته است: اشعار حماسی، عاشقانه، وطن‌پرستانه و عارفانه وی سرشار از چنین نمونه‌های روانشناختی زبانی و جذاب است.*^۲ فرم و آهنگ زبانی در این ترجمه برای کسانی که به هر دو زبان عربی و آلمانی مسلط هستند و اصل قرآن و ترجمه آلمانی آن را با هم و در کنار هم

۱- ر. ج. به اثر مهم خانم پروفیسور آنه‌ماری شیمل:

Friedrich Rückert: Werke; ausgewählt und hrsg. von Annemarie Schimmel, 2. Band, Frankfurt 1988, S. 111.

Bobzin, Hartmut: *Der Koran in der Übersetzung von Friedrich Rückert; Ergon-Verlag, Würzburg 1996, S. XXX.*

۲- به منظور کسب اطلاعات بیشتر لطفاً ر. ج. به مجموعه آثار ادبی منتشر شده روکرت در هفت جلد به زبان آلمانی:

Rückert, Friedrich: *Gesammelte poetische Werke: 7 Bände, Sauerländer Verlag, Frankfurt 1868.*

مقایسه می‌کنند، تحسین‌برانگیز و حیرت‌آور است. برابری نظام و چینش جملات و کلمات قرآنی و مصادیق آنان در زبان آلمانی خیره‌کننده است، نکته‌ای که در بخش‌های بعدی بیشتر نمایان خواهد شد.

۳. مقایسه عناصر زیباشناختی در قرآن و ترجمه آلمانی

از ویژگی‌ها و مشخصه‌های منحصر به فرد آخرین سوره‌های قرآن کریم کوتاهی آنان است، که باعث شده آنها به شکل اشعار موزون و زیبایی جلوه‌گری نمایند. این نکته مترجم آلمانی را بر آن داشته تا به خاطر انتقال ابعاد زیباشناختی آیات، آنها را بعضاً همانند یک رباعی یا دیگر ساختارهای شعری آلمانی (a a; a a)، دسته‌بندی و تفکیک کند، لذا در سوره "اخلاص" انعکاس واژگان قرآنی مشابه قافیه‌های یک شعر آهنگین و جذاب مشاهده می‌شوند. حتی با نگاه اولیه و سطحی نیز خواننده به این نکته مهم در ترجمه‌ای همطراز، همگون و با تأثیر برابر پی می‌برد:

Sure 112 Bekentnis der Einheit*¹

سوره ۱۱۲ اخلاص

1. Sprich: Gott ist <u>Einer</u> ,	a	a	قل هو الله <u>احد</u>
2. Ein ewig <u>reiner</u> ,	a	a	الله <u>الصمد</u>
3. Hat nicht gezeugt und ihn gezeugt hat <u>keiner</u> ,	a	a	لم یلد و لم <u>یولد</u>
4. Und ihm nicht gleich ist <u>einer</u> .	a	a	و لم یکن له کفوا <u>احد</u>

واژگان برگزیده آلمانی در پایان هر سطر همانند قافیه‌های یک شعر ادبی آلمانی می‌درخشند. کوتاهی و بلندی هر سطر یا مصرع نیز گویای همین نکته‌اند و برابری تحسین‌برانگیزی را با متن عربی نمودار می‌سازند. در بسیاری از آیات ترجمه شده و همچنین در بسیاری از دیگر سوره‌ها دقیقاً همان واژگانی که در انتهای هر آیه به زبان عربی موجود است، عین همان کلمه در پایان سطر یا بیت آلمانی نیز قابل مشاهده هستند و این نکته‌ای است بسیار مهم، که تا حدودی نیز به همگونی ساختاری آلمانی و عربی از لحاظ قدرت گرامری، صرفی و نحوی بستگی دارد. ارجاعات، تنوع و تعداد ضمائر، صرف افعال و حتی صرف اسامی در زبان آلمانی هم مثل عربی از دقت بالایی برخوردار است. در اغلب ترجمه‌های فارسی چنین دقت‌هایی مشاهده نمی‌شود:

۱- کلیه ترجمه‌های آلمانی ارائه شده از قرآن در این مقاله برگرفته شده از این نسخه و ترجمه فریدریش روکرت است:

سوره اخلاص ۱۱۲

بگو: حقیقت این است، که خدا یگانه است. (۱)

خداست که هر چیزی به او نیازمند است و خود از همه چیز بی‌نیاز است. (۲)

از این روی نه فرزندی آورده و نه زاده کسی است. (۳)

و هیچ کس همتا و همانند او نبوده است. (۴)*^۱

مترجم در آیه اول از واژگان توضیحی و اضافی در متن استفاده کرده و دو بار فعل "است" را آورده؛ همچنین در هر چهار آیه فعل "است" را جایگزین کلمات آهنگین و هم قافیۀ "احد، صمد، یولد، احد" کرده، اما مترجم آلمانی تکرار کلمۀ "احد" را با تکرار کلمۀ مشابه و دقیق "einer" ارائه نموده است. مترجم فارسی در مقابل "الله الصمد" یک سطر کامل و طولانی با چندین فعل و کلمات اضافی و مترادفات غیرضروری را جایگزین کرده است، که حاکی از نوعی نابرابری واژگانی و عدم دقت کافی در ترجمه است. لذا در این ساختار لحن آهنگین و موزون موجود در آیات عربی و هارمونی درونی کلمات در هم شکسته شده و تأثیر موسیقایی و جذاب قرآنی را پنهان کرده است. "بزرگترین مشکلات را برای مترجم، آن متون شاعرانه و هنرمندانه‌ای فراهم می‌کنند، که صوت و لحن اصلی کلام در آنها با سبک خاصی در درون ابیات جاسازی شده‌اند و ابعاد خوش‌الحانی و قرائت آنان، ملاک اصلی متن می‌باشد."^۲

دقت در آیات سوره کوثر و ترجمۀ دقیق آلمانی آن بیانگر این است، که نه تنها از نظر واژگان و اصوات تا حدودی برابری خاصی موجود است (پایان هر کلمه در متن قرآن و ترجمۀ آلمانی با سیلاب‌های هم‌قافیۀ "...ثر؛ ...حر؛ ...تر" یا آلمانی "ter-...؛ pfer-...؛ ther-... است)، بلکه برای کلمات دارای سجع هم معادل مناسبی در زبان آلمانی ارائه شده است. چنانچه ما آیات عربی را به آوانویسی بین‌المللی و خط لاتین Internationales Phonetisches Alphabet برگردانیم طول آیه‌ها نیز در عربی و آلمانی تقریباً برابر خواهند بود:

۱- قرآن کریم: ترجمۀ سید محمد رضا صفوی؛ نشر معارف، قم ۱۳۸۵، ص. ۶۰۴.

۲- لیوی، ژیری؛ ترجمه ادبی؛ فرانکفورت / بن ۱۹۶۹، ص. ۲۵۱.

Sure 108 Kauther	سوره ۱۰۸ الکوثر
1. Wir haben dir verliehen den <u>Kauther</u> ;	a a انا اعطیناک الکوثر
2. Bring deinem Herrn Gebet und <u>Opfer</u> !	a a فصل لرَبک و انحر
3. Ja, wer dich haßt, der ist ein <u>Abgestumpfter</u> .	a a ان شانک هو الابر

در خصوص دقت در ترجمه، نظر اکثریت علمای ترجمه را می‌توان در این جمله خلاصه شده بیان کرد: "ترجمه‌ای موفق است، که از هر نظر و جنبه، ویژگی‌های متن اصلی خود را به همان میزان نمایان و آشکار می‌سازد" و نه چیزی را پنهان و نه چیزی را بیشتر از آنچه که هست توضیح می‌دهد.^۱ ترجمه فارسی همین سوره حاوی مطالب دیگری غیر از متن آلمانی خود است:

سوره کوثر ۱۰۸

همانا ما به تو خیر فراوان دادیم (مقرر داشتیم که نسل تو فراوان گردد). (۱)
پس به شکرانه آن برای پروردگارت نماز بگذار و هنگام تکبیر، دست هایت را تا مقابل گلو بالا بر. (۲)
قطعاً نسل تو منقطع نمی‌شود، بلکه دشمن توست که بی‌نسل است. (۳)^۲

در ترجمه فارسی فوق، از سوره "کوثر" ناظر این مطلب هستیم که مترجم از کوتاه‌ترین سوره قرآن و از جمع ده کلمه عربی، حدود چهار کلمه فارسی ایجاد کرده و در نهایت با طولانی کردن ترجمه آیه، علاوه بر اینکه مطالبی را به متن اصلی اضافه نموده، جنبه زیباشناختی زبانی، لحن و خطاب اصلی قرآن را در انبوه کلمات مترادف و معادل خود مخدوش یا گم کرده است و در همین راستا معنی "وانحر" را که در ترجمه آلمانی "Bring ... Opfer" به معنی "قربانی کردن" آمده، به مفهوم دیگری بکار گرفته است، که البته در دیگر ترجمه‌های فارسی، نظیر مشکینی، نیز شاهد این برداشت هستیم. ارائه معادل دقیق در ترجمه و پرهیز از اضافات غیرضروری یک اصل مهم برای ترجمه‌های "وفادار به متن" ذکر شده است و متخصصین ترجمه‌های ادبی معتقدند، که تحمیل کلمات مترادف و گسترش بی‌دلیل متن (در ترجمه) به متن اصلی خسارات متعددی وارد می‌سازد و هر گونه توضیحات و ملحقات تشریحی در ترجمه بایستی در قالب پانویس یا پی‌نوشت به اطلاع خواننده رسانده شود. فارسی زبانی که به متن عربی اشراف نداشته باشد، تمامی واژگان و کلمات ترجمه فارسی فوق را به

۱- ووتنوف، رالف راینر: شاهکار غریبه، ابعاد ترجمه ادبی؛ گوتینگن ۱۹۶۵، ص. ۴۷.

Wuthenow, Ralph-Rainer: *Das fremde Kunstwerk; Aspekte der literarischen Übersetzung*, Palaestr Band 252, Vandenhoeck & Ruprecht Verlag, Göttingen 1969, S. 47.

۲- قرآن کریم: ترجمه سید محمد رضا صفوی؛ نشر معارف، قم ۱۳۸۵، ص. ۶۰۲.

خداوند نسبت می‌دهد. در صورتی که تفسیر هر کلمه در چنین متونی می‌تواند موجبات بحث و جدل‌های فراوانی را فراهم سازد. همین نکته استناد و تذکر مهمی است، تا بدانیم ترجمه متون مقدس دقت و ظرافت خاص خود را می‌طلبد و مترجم بایستی از هر گونه اعمال نظر شخصی و دخالت واژگانی در متن اصلی پرهیز نماید.

۴. ساختار جایگزینی شکلی در ترجمه

در مواردی مترجم سعی می‌کند تا به دلایل مختلف (اغلب محتوایی و به لحاظ حفظ شرایط معنوی درون‌متنی) از قالب اصلی و شکل متن تا حدودی عدول نموده و ابیات و سطور را از نظر کلمات آهنگین پایانی و یا قافیه به گونه‌ای دیگر از آن چیزی بچیند، که در متن اصلی موجود است؛ مانند این مثال که جای x یک سطر تغییر کرده است، ولی در کلیت، همان ساختار متن اصلی منعکس شده است و همان "تأثیر برابر" را نیز بر خواننده دارد. در این حالت ترجمه با متن اصلی هم‌تراز و هم‌گون است و با اندک تغییر ظاهری ارائه شده است:

			سوره ۱۱۳
			الفلق
1. Sprich: Zuflucht such' ich bei dem Herrn der <u>Dämmerung</u> ,	a	a	قل اعوذ برب الفلق
2. Vorm Bösen dessen, was Er <u>schuf</u> ,	x	a	من شر ما خلقت
3. Vorm Bösen der <u>Verfinsterung</u> ,	a	x	و من شر غاسق اذا وقب
4. Vorm Bösen nestelknüpfender <u>Weiber</u> ,	b	b	و من شر الفاتات فی العقد
5. Und vor dem bösen Neid der <u>Neider</u> .	b	b	و من شر حاسد اذا حسد

در ترجمه آلمانی سعی شده تا قافیه‌های دو تایی (فلق، خلق / عقد، حسد: $a - a / b - b$) و تک بیت میانی (وقب x) در متن آلمانی منعکس گردند، که تا حدود زیادی هم موفقیت آمیز بوده است، ولی از نظر شکل و ترتیب متنی جای سطر دوم و سوم با هم تعویض شده‌اند و قواعد اصلی فرم و قالب متن ترجمه، دقیقاً همانند متن قرآنی رعایت نشده‌اند. در این حالت متخصصین ترجمه معتقدند، که نوعی جایگزینی برابر یا "equivalente Substitution" صورت گرفته است. در نهایت می‌توان چنین ابراز داشت، که کلیت موضوع مقبول و پذیرفته است. با این روش ابعاد آهنگین و موسیقایی متن نیز حفظ شده‌اند؛ بخصوص وقتی که طنین قافیه‌های پایانی دو به دو (سطر ۱ و ۳؛ ۴ و ۵) را در آلمانی حس می‌کنیم. واژگان پایانی هر مصرع یا سطر در عربی و آلمانی تا نهایت درجه امکان با هم

یکسان شده‌اند، که خود خلاقیتی عظیم به شمار می‌آید: "فلق / Dämmerung"، "خلق / schuf"، "حسد / Neider"، ...

درست همین شرایط در سوره بعدی "الناس" نیز تکرار شده و در متن آلمانی، مشکل واژگانی، در سطر چهارم ساختار صحیح شکل و قالب اولیه را به هم زده است. اما اینجا دیگر صحبت از قافیه در میان نیست، چرا که واژگان تکراری "الناس" ۵ بار، "الوسواس" و "الخناس" هر کدام یک بار، ساختار سجعی، آهنگین و موزون به متن بخشیده‌اند و دارای نوعی هارمونی درونی می‌باشند. در ترجمه آلمانی هم تکرار پنج باره کلمه "الناس / Menschen" همین نقش را ایفا می‌کند و همان تأثیر مشابه را بر خواننده خود می‌گذارد. از همه مهمتر اینکه خواننده به سبک دقیق و هدف خوش الحانی و مقاصد مسحورکنندگی و تأثیرگذاری قرآن از طریق صوت و کلام نافذ نیز پی می‌برد:

Sure 114 Die Menschen			سوره ۱۱۴ الناس
1. Sprich: Zuflucht such' ich bei dem Herrn der <u>Menschen</u> ,	a	a	قل اعوذ برب <u>الناس</u>
2. Dem Könige der <u>Menschen</u> ,	a	a	ملک <u>الناس</u>
3. Dem Gott der <u>Menschen</u> ,	a	a	اله <u>الناس</u>
4. Vorm Bösen des Einbläasers, des <i>Verräthers</i> ,	b	a	من شر <u>الوسواس الخناس</u>
5. Der einbläst in der Brust des <u>Menschen</u> ,	a	a	الذی یوسوس فی صدور <u>الناس</u>
6. Zuflucht vor Dschinnen und vor <u>Menschen</u> .	a	a	من الجنه و <u>الناس</u>

در ترجمه‌های متون مقدس و ادبی بایستی لزوماً مترجم به چندین بعد متن توجه و اشراف کامل داشته باشد، تا هم فاکتورهای محتوایی و درونی متن حفظ شوند، یعنی ترجمه از دقت و صحت کافی برخوردار باشد و هم اینکه معیارهای زیباشناختی شکلی و صوتی را با هنرمندی تمام به سمع و بصر خواننده انتقال دهد. ضریب دقت در ترجمه فوق بسیار بالا و هارمونی ایجاد شده از طریق کلمات سجعی و ساختار درونی و چینش واژگان قابل تحسین است.

برترین معیار ترجمه: "تأثیر برابر"

چنانچه در ساختار درونی سوره "والعصر" دقت کنیم و هر دو متن اصلی و ترجمه را برابر هم قرار دهیم، با اولین نگاه به یاد قالب‌های شعری مشابه در زبان کلاسیک آلمانی می‌افتیم، که در قرن نوزدهم در ادبیات رمانتیک آلمان رواج یافت:

Sure 103
Das Nachmittagsgebet

سوره ۱۰۳

العصر

1. Beim Nachmittags- <u>Gebet</u> !	a	a	و العصر
2. Des Menschen Fleiß <u>missrät</u> h,	a	a	ان الانسان لفي <u>خسر</u>
3. Nur dessen nicht, der glaubet und das Gute thut,	x	x	الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات
Der zur Geduld <u>rät</u> h und zur Wahrheit <u>rät</u> h,	a	a	و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر

این ترجمه از قرآن توسط فریدریش روکرت نیز در همان حیطه زمانی انجام شده است. در آن زمان معتقد بودند، که برای تقویت و غنای زبانی، ادبی و فرهنگی بایستی بیشتر به ترجمه از دیگر زبانها پرداخت، تا مفاهیم، موضوعات، اشکال و انواع ادبی ترویج و آموخته شوند.*^۱ در این نمونه مترجم سطر به سطر همانند متن اصلی قرآن قلم زده و خلاقیت بزرگی از خود بروز داده است.

می‌دانیم که این قالب یکی از پرکاربردترین اشکال رباعی یا دوبیتی است: (a a; x a) که در مغرب زمین هم نمونه‌های فراوانی دارد و ترجمه این سوره نیز همان تأثیر شکلی و ظاهری را بر خواننده دارد، لذا مترجم با شناخت و رعایت آن و حتی با نشان دادن همان کلمات در زبان آلمانی در انتهای سطور، و با کاربرد واژگان مشابه به بازسازی متن اصلی با مهارت تمام پرداخته است: (عصر، خسر، صبر / Gebet, missrät, rät). مصرع اول از سطر سوم نیز همانند متن اصلی قرآن بدون کلمات سجعی یا قافیه باقی مانده است و یادآور محبوب‌ترین نوع و قالب رباعی در زبان آلمانی نیز می‌باشد.*^۲

مهمترین فاکتور برای یک ترجمه موفق را متخصصین "تأثیر برابر" "Wirkungsgleichheit" یا ایجاد موازنه محتوایی و شکلی بین دو متن ذکر می‌کنند. ایشان معتقدند، که "کیفیت یک ترجمه با تأثیر مساوی و برابر" متن اصلی و متن ترجمه شده بر خواننده قابل سنجش است.*^۳ در مکتب فکری

۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه لطفاً ر. ک. به دو اثر مهم در خصوص "ترجمه ادبی":

Vgl.: Levy, Jiri: *Die literarische Übersetzung, Theorie einer Kunstgattung*; Athenäum Verlag, Frankfurt / Bonn 1969, S. 82.

Vgl.: Wuthenow, Ralph-Rainer: *Das fremde Kunstwerk*; Göttingen 1969, S. 181.

۲- شایان ذکر است، که روکرت ترجمه دقیقی از رباعیات حافظ ارائه نموده است. ر. ج. به فصلنامه اشپکتروم ایران، ناشر:

پروفسور هارتموت بویزین ۱۹۸۹:

Bobzin, Hartmut: (Hrsg.) *Hafisische Vierzeiler in Übertragung von Friedrich Rückert*; In: Spektrum Iran; Zeitschrift für islamisch-iranische Kultur, Bonn 1989, 2. Jahrgang, Heft 4.

۳- پیکه، فریتس: در ترجمه زیستن، مقایسه متون؛ توینگن ۱۹۸۶، ص. ۵۷.

Paepcke, Fritz: *Im Übersetzen leben, Übersetzen und Textvergleich*; Hrsg., Tübingen 1986, S. 57.

در موضوع "انواع برابری در ترجمه" مقایسه شود با: حدادی، محمود: مبانی ترجمه؛ انتشارات جمال الحق، تهران ۱۳۷۵، فصل

۴، ص. ۷۲-۴۵.

فریدریش روکرت، که الهام گرفته از روشها و دستورات زیباشناختی در مباحث ادبیات، هنر و ترجمه در عصر کلاسیک و رمانتیک بوده است، برای جنبه‌ها و ابعاد شکلی و ظرافت‌های بصری در شعر اهمیت والایی قایل می‌شدند. استناد بر این موضوع انتخاب قالب زیر برای ترجمه‌ای عالی از سوره "التکویر" است، که در زبان آلمانی بازتابی بی‌نظیر داشته است. چنانچه این سوره در زبان آلمانی با طنین خاص خود قرائت شود، یادآور لحن و بیان آیات قرآنی خواهد بود و کلمات قافیه و سجع آخر هر سطر با سبک شناسی قرآن همگون و هم‌آهنگ به گوش می‌رسد:

Sure 81 Die Ballung		سوره ۸۱ التکویر
1. Wann die Sonne sich wird <u>ballen</u> ,	a a	اذاالشمس <u>كورت</u>
2. Die Sterne zu Boden <u>fallen</u> ,	a a	و اذاالنجوم <u>انكدرت</u>
3. Und die Gebirge <u>wallen</u> ,	a a	و اذاالجبال <u>سيرت</u>
4. Der Meere Fluten <u>schwallen</u> ,	a a	و اذاالعشار <u>عطلت</u>
5. Wann Zuchtkamele sind <u>unverahrt</u> ,	b a	و اذاالوحوش <u>حشرت</u>
6. Und die wilden Tiere <u>geschaart</u> ,	b a	و اذاالبحار <u>سجرت</u>
7. Und die Seelen wieder <u>gepaart</u> ;	b a	و اذاالنفوس <u>زوجت</u>
8. Man das lebendig begrabne wird <u>fragen</u> ,	c a	و اذاالمووده <u>سئلت</u>
9. Um welche Schuld es sei <u>erschlagen</u> ;	c a	بأى ذنب <u>قتلت</u>
10. Und die Bücher sind <u>aufgeschlagen</u> ;	c a	و اذاالصحف <u>نشرت</u>
11. Wann der Himmel wird <u>abgedach't</u> ,	d a	و اذاالسماء <u>كشطت</u>
12. Und die Hölle wird <u>angefacht</u> ,	d a	و اذاالجحيم <u>سعرت</u>
13. Und der Garten <u>herangebracht</u> ;	d a	و اذاالجنة <u>ازلفت</u>
14. Wird eine Seele wissen, was sie <u>dargebracht</u> ,	d a	علمت نفس ما <u>احضرت</u>
15. Soll ich schwören bei den <u>Planeten</u> ,	e b	فلا اقسم <u>بالخنس</u>
16. Den wallenden, den <u>unsteten</u> ?	e b	الجوار <u>الكنس</u>
17. Und bei der Nacht der <u>öden</u> ?	e b	و الليل اذا <u>عسعس</u>
18. Und der athmenden Morgenröte?	x b	و الصبح اذا <u>تنفس</u>
19. Das Wort ist es eines Boten <u>wert</u> ,	f c	انه لقول رسول <u>كريم</u>
20. Eines Boten stark, der steht beim Herrn des Throns <u>geehrt</u> ,	f d	ذی قوه عند ذی <u>العرش مکین</u>
21. Eines Gebieters treu <u>bewährt</u> ,	f d	مطاع ثم <u>امین</u>
22. Nicht euer Landsmann irrt noch <u>thört</u> ,	f d	و ما صاحبکم <u>بمجنون</u>
23. Er sah ihn in der Höh' <u>verklärt</u> ,	f d	و لقد رءاه <u>بالافق المبین</u>
24. Und will mit dem nicht <u>geizen</u> , was er sah und <u>hört</u> ,	f d	و ما هو علی <u>الغیب بضین</u>
25. Das Wort nicht ist es dessen, der sich hat <u>empört</u> .	f c	و ما هو بقول <u>شیطان رجیم</u>

26. Wo rennt ihr hin <u>verstört</u> ?	f	e	فأین تذهبون
27. Es ist nur eine Mahnung an die <u>Welten</u> ,	g	d	ان هو الا ذکر للعالمین
28. Dem wer von euch will lassen die Wahrheit <u>gelten</u> ,	g	c	لمن شاء منکم ان یتقیم
29. Ihr aber wollet nicht, wenn nicht will Gott, der Herr der <u>Welten</u> .	g	d	و ما تشاءون الا ان یشاءالله رب العالمین

وفاداری به متن اصلی قرآن در ترجمه فوق، ستودنی و بی‌همتاست و ترجمه این سوره به زبان آلمانی در جامعیت خود از هارمونی و دقت کم نظیری برخوردار است. جایگزینی شکلی در خصوص قافیه‌ها و کلمات آهنگین سجعی نیز تصویری برابر را القاء می‌کند و ریتم، آهنگ و اهداف کلامی، بیانی و تأثیرگذاری قرآن نیز بر خواننده در زبان آلمانی به همان میزان تأمین شده است. نسبت میزان فراوانی کلمات آهنگین در هر دو متن اعجاب‌برانگیز است، فقط مترجم در آیه شماره ۱۸ ناهمگونی ناخواسته ای را به خود اجازه داده، چرا که واژه "Morgenröte" هیچگونه کلمه هم آهنگ یا هم قافیه‌ای را در این سوره برای خود ندارد، در صورتی که برای هر کلمه پایانی در سطور قرآنی لااقل یک واژه دیگر هم‌تا و هم آهنگ وجود دارد. توانمندی مترجم در این راستا بی‌شک با توانمندی وی به عنوان یک شاعر قدرتمند در هم آمیخته شده است، چون او در آثار ادبی و شاعرانه خود به زبان آلمانی نیز به خلق الگوهای مشابهی پرداخته و علاقه فراوانی برای موضوعات دینی از خود نشان داده است.^۱

هرچه یک اثر ادبی و مقدس از نظر ساختار درونی و شکلی زیباتر، منسجم‌تر، آراسته‌تر و از نظر محتوایی و معنایی با کلماتی برگزیده‌تر، صیقل یافته‌تر و تأثیرگذارتر باشد، ترجمه آن به زبانهای دیگر هم مشکل‌تر و غیرممکن‌تر به نظر می‌رسد. اینجاست که ادبا و متخصصین از "تجمیع همزمان و ذوب ویژگی‌های فرمی و محتوایی، یا ظاهری و باطنی" در شاهکارهای ادبی سخن به میان می‌آورند، که اصولاً ماهیت اصلی ادبیات برتر و آثار کلاسیک هر ملتی بر آن استوار است.^۲ متون مقدس و آثار ادبی مشهور با مشخصه‌های الگویی در بین همه ملتها عمدتاً ترجمه‌ناپذیر هستند. قوی‌ترین و بااستعدادترین مترجمین هم در انعکاس این آثار با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند. به همین دلیل اینگونه مکتوبات عظیم تاریخی، بی‌بدیل، تکرارناشدنی، بی‌همتا و به عبارتی گویاتر "einmalig" یا

۱- در این خصوص مقایسه کنید با "مجموعه آثار ادبی روکرت" در پانویس شماره ۱۱ و مفسرین آثار او:

Friedrich Rückert: *Werke*; ausgewählt und hrsg. von A. Schimmel, in 2 Bde, Frankfurt 1988, Bd I, S. 220-241.

۲- مقایسه شود با: اشتوریگ، ه. ج: مشکل ترجمه؛ راهکارهای تحقیق، دارمشتات ۱۹۶۳، مقدمه، ص. ۲۸.

Störig, H. J.: *Das Problem des Übersetzens*; Wege der Forschung, Band VIII, Darmstadt 1963, Einleitung S. XXVIII.

"یکباره" هستند و انتقال آنان به زبانی دیگر با موانعی بزرگ همراه است؛ همانگونه که دیوان حافظ در زبان فارسی جاودانه و بی‌نظیر است و همه ترجمه‌های آن با هم و در کنار هم نیز نمی‌توانند با اصل آن در زبان فارسی برابری کنند.

بسیاری معتقدند، که ماهیت ترجمه اصولاً با دو نکته همراه است: یکی اینکه ترجمه امری است "نسبی" یا "relativ"، و دیگر اینکه ترجمه تأثیری "پیش‌رونده"، متحول‌کننده و ترقی‌خواهانه یا "progressiv"، دارد، چون زبان مقصد (زبانی، که ترجمه به آن صورت گرفته است) را دستخوش تغییرات خود قرار می‌دهد.^۱ تاریخ بیانگر این است، که در دراز مدت ترجمه‌ها بر زبانهای ملی شدیداً تأثیرگذار بوده‌اند و قدرت بیشتر یا پویایی زبان را نیز باعث می‌شوند، به عبارتی با هر ترجمه توانمندی زبان نیز بیشتر و پیشرفته‌تر می‌شود. در اینگونه موارد هم واژگان و هم ساختارهای جدیدی به زبان افزوده می‌شوند، که باعث غنای زبانی - فرهنگی می‌گردد. شاهد بزرگ این مطلب ترجمه‌های لوتر (۱۵۴۶ - ۱۴۸۳) از کتاب مقدس یا انجیل لاتین به زبان آلمانی بوده، که موجبات انسجام، استحکام و ترویج زبان آلمانی امروزی را فراهم کرده،^۲ و همان تأثیر مشابهی را داشته، که شاهنامه بر زبان فارسی گذاشته است.

ترجمه قرآن کریم به شعر فارسی و متن آهنگین موزون و منظوم نیز وجود دارد. در زبان فارسی نیز نویسندگان و مترجمین به ارائه ترجمه‌های روان و شیوایی از قرآن کریم همت گماشته‌اند، برای مثال نمونه معروفی از ترجمه "والعصر" را مشاهده می‌کنیم:

سورة عصر ۱۰۳

سر آغاز گفتار نام خداست	که رحمتگر و مهربان خلق راست
قسم باد بر عصر کاین آدمی	زبان‌ها رساند به خود هر دمی
بجز مؤمنان به پروردگار	که پیوسته نیکند و پرهیز کار
سفارش نمایند هم را مدام	به حق و شکیبایی و اهتمام

۱- کالر، و.: مقدمه ای بر علم ترجمه؛ هایدلبرگ ۱۹۷۹، ص. ۱۸۶.

Koller, W.: *Einführung in die Übersetzungswissenschaft*; Heidelberg 1979, S. 186.

۲- تگارت، راینهارت: ادبیات جهانی، تمایل به ترجمه در عصر گوته؛ ناشر: ب. زلر، انجمن شیلر، مارباخ ۱۹۸۲، ص. ۵.

Tgahrt, Reinhard: *Weltliteratur; Die Lust am Übersetzen im Jahrhundert Goethes*; Marbacher Kataloge 37, Hrsg. von B. Zeller, Deutsche Schillergesellschaft Marbach 1982, S. 5.

در این ترجمه از قرآن،*^۱ مترجم متن اصلی را با استفاده از ترجمه‌های مشهور اساتیدی چون خرمشاهی و فولادوند به نظم فارسی درآورده است. سراینده قالب و سبک واحدی در قالب مثنوی برای تمام سوره‌ها انتخاب کرده است (همانند وزن شاهنامه فردوسی و با اوزان "فعولن، فعولن، فعولن، فعول")؛ اما بعضاً مجبور به افزودن نکات توضیحی شده و عمدتاً هر سطر قرآن را به دو مصرع یا یک بیت تبدیل کرده و در کلیت خود اثر بدیع و ماندگاری را خلق و ارائه نموده است؛ در عین حال کل قرآن را در "یک قالب و وزن واحد" سرودن، برابر است با نادیده گرفتن تمامی ساختارهای متنی و الحان مختلف متنی، احساسی، دستوری، متحیرکننده، جذاب، کوبنده، تکان‌دهنده، و ... که هر یک برای شرایط زمانی، حال و هوا و صحنه خاصی از زندگی انسان نازل گردیده است.

هیچ یک از ترجمه‌های فارسی از قرآن توان برابری با این ترجمه آلمانی را ندارند و نمی‌توانند از نظر ساختار زبانی، گرامری و واژگانی با آن هم‌تراز و برابر باشند، موضوعی که البته تا حدودی به ساختار زبانی و شبکه‌های معنایی و واژگانی در زبان هم وابسته است. چنانچه ترجمه‌های قرآن کریم در زبان فارسی را با نمونه‌های بررسی شده آلمانی در کنار هم قرار دهیم و مطابقت کنیم، عمدتاً به این نتیجه می‌رسیم، که ظرافت‌های ذکر شده در این مقاله، یا اصولاً بازخورد دقیق و حتی مشابهی در ترجمه‌های فارسی خود ندارند یا بسیار اندک و تصادفی دارای چنین ویژگی‌های تطبیقی هستند، چون در اصل رعایت ابعاد کلی فرم و قالب سوره از ابتدا مد نظر مترجمین فارسی زبان نبوده است، با اینکه می‌توانیم از ساختارهای دستوری و به خصوص مشترکات واژگانی مشابهی در هر دو زبان نیز استفاده کنیم. هدف‌گذاری مترجم بایستی "ارائه هم‌زمان فرم و محتوا با هم" باشد، تا به این هدف عالی نایل آید.

البته هیچ ترجمه‌ای بی‌عیب و نقص نیست. برترین مترجمین عصر روشنگری، کلاسیک و رمانتیک آلمان هم مثل Schlegel, Nerval, George, Regis, Borchardt, Benjamin در آثارشان مشکلاتی مشاهده شده و بر آنها انتقاداتی وارد بوده و این عمدتاً به خاطر تفاوت ساختار دستوری و واژگانی بین دو زبان است. خصلت و ماهیت تقریبی - تخمینی ترجمه "approximativer Charakter" موجبات این را فراهم کرده، تا برخی از متخصصین به عدم قطعیت و جامعیت ترجمه معتقد باشند.*^۲ اصولاً

۱- ترجمه موزون قرآن کریم به زبان فارسی: مجد، امید؛ قرآن مجید با ترجمه منظوم؛ انتشارات امید مجد؛ چاپ اول ۱۳۷۶، چاپ چهل و پنجم ۱۳۹۴، سوره "والعصر".

۲- ووتوف، رالف راینر: شاهکار غریبه، ابعاد ترجمه ادبی؛ گوتینگن ۱۹۶۵، ص. ۱۷۸ به بعد.

هیچ ترجمه‌ای را نمی‌توان کامل و خالی از خطا دانست، به همین خاطر هم انواع ترجمه از یک "متن اصلی" وجود دارد، که هر یک با برداشت و فهم خاصی و در زمان مشخصی خلق شده‌اند و هرگز نمی‌توانند با "Original-Text" برابر مطلق داشته باشند؛ این نوع نگرش به ترجمه تا حدودی نیز با دیدگاه‌های هرمنوتیک به زبان و ماهیت سیال و پویای تعبیر و تفسیر متن در ارتباط است، که معتقدند "ترجمه نوعی برداشت مترجم از متن اصلی است نه خود آن." این "اصول اساسی هرمنوتیک" "Hermeneutik" یا تعبیر و تفسیر متن هستند، که مسیر اصلی را برای ترجمه تعیین می‌کنند.^۱ به همین علت هم بسیاری در کنار اهمیت والای ترجمه در انتقال مفاهیم عالی و ایده آل انسانی بر این باورند، که "هیچ ترجمه‌ای مطلق و قطعی نیست" و این بدینی در خصوص ترجمه از زبانهای غیر همخوان نسبت به یکدیگر، شدت بیشتری نیز به خود می‌گیرد. هر چه سیستم زبانها از یکدیگر متفاوت‌تر باشد، انتقال مفاهیم نیز نتیجتاً با مشکلات پیچیده‌تری مواجه خواهد شد، بخصوص "آندسته از متونی که با ساختارها و الگوهای برتر زبانی و هنرمندانه در زبان اصلی خود همراه هستند."^۲ به همین دلایل هم برخی ترجمه‌ها زودتر کهنه می‌شوند و ترجمه جدیدتری از همان متن اصلی، اولیه و جاودانه دوباره ضروری به نظر می‌رسد.

در این بخش "تأثیرگذاری برابر و همطراز" ترجمه آلمانی با آیات قرآنی در سوره "التکویر" را به وضوح شاهد بودیم، هر چند عیوبی اندک را نیز تجربه کردیم. این می‌تواند مهمترین هدفگذاری در هر ترجمه‌ای باشد، که نیت و مقاصد کلامی و بیانی را با ریتم و آهنگ احساسی خاصی به گونه‌ای هدفمند پیوند زده است. چنانچه هر ترجمه‌ای بتواند تمامی ابعاد متن اصلی خود را اینگونه به سمع و بصر برساند و جلوه‌گری‌های صوت و سخن را در پیکر زیبای دسته‌گل واژگان و ابیات ادبی تقدیم نماید، موفقیت بزرگی را کسب کرده است.

Wuthenow, Ralph-Rainer: *Das fremde Kunstwerk*; Göttingen 1969, S. 178ff.

۱- گادامر، ه. گ.:: حقیقت و متد، اصول اصلی فلسفه هرمنوتیک؛ توینگن ۱۹۶۵، ص. ۴۰۹ و ۴۹۸.

Gadamer, H. G.: *Wahrheit und Methode, Grundzüge einer philosophischen Hermeneutik*; J.C.B.Mohr Tübingen 1965, S. 409; 498ff..

۲- ووتنوف، رالف راینر: شاهکار غریبه، ابعاد ترجمه ادبی؛ گوتینگن ۱۹۶۵، ص. ۳۹، ۴۰، ۵۲ و ۵۳.

Wuthenow, Ralph-Rainer: *Das fremde Kunstwerk; Aspekte der literarischen Übersetzung*, Göttingen 1969, S. 39, 40, 52 und 53.

نتیجه

در این مقاله سعی بر آن شده است، تا برای این سئوالات پاسخی ارائه گردد: - تا چه میزان انتقال آهنگ و هارمونی زبانی در ترجمه متون دینی - ادبی ممکن است؟ - آیا ترجمه آلمانی فریدریش روکرت دارای کیفیت لازم و مورد نظر هست؟ هارمونی و آهنگ در متن‌های ادبی و مذهبی بیشتر از طریق سجع و قافیه‌های درونی و سپس از طریق ساختار شکلی متن و در نهایت با ایجاد لحن و ریتم خاص ایجاد می‌گردد. بازگردان و انعکاس این اهداف در ترجمه از اهمیت والایی برخوردار است. اصولاً فحوای کلام، لحن بیان و اهداف عالی متون مذهبی و مقدس با مقاصد تأثیرگذاری معنوی همراه است و در خصوص قرآن کریم سخن از "اعجاز الهی" در میان است، لذا بهتر است مترجم هم به ابعاد محتوایی و دقیق متن و هم به ابعاد زیبا شناختی شکلی، آهنگین و هارمونی جذاب سخن توجه نماید، تا بتواند خلق مشابهی در زبان مقصد داشته باشد.

همان طور که در پنج بخش این مقاله با ذکر مستندات مختلفی به تفکیک بررسی گردید، مشاهده شد، که در نسخه آلمانی، مترجم هر سوره را با حفظ شکل اصلی و منحصر به فرد قرآن ارائه نموده و سعی کرده تا در هر سوره، عین همان را به زبان آلمانی تصویرسازی و آهنگ‌سازی نماید و ابعاد زیباشناختی فرم، آهنگ و ریتم را در کنار محتوای دقیق منعکس کند.

با توجه به اصول و معیارهای ترجمه، که مورد توافق اکثر علمای ترجمه نیز هست، مترجم به تعبیری "همانند نویسنده‌ای" ماهر و با ذوق ادبی "به خلق مجدد اثر" در زبان ترجمه می‌پردازد، او باید سعی کند تفاوت‌های ساختاری را در زبان منعکس نماید و لطایف و ظرایف متن اصلی را با دقت بازتاب داده و به علاقمندان ابعاد گوناگون متن را منتقل نماید، موضوعی که باعث ارتباط و تحکیم پیوند بین ملت‌ها می‌گردد. لذا چگونگی انتقال مطلب می‌تواند خود نوعی تصمیم و جبهه‌گیری در مسیر تأثیرگذاری ترجمه تلقی شود و پی‌آمدهای آموزشی و تعلیمی بر زبان و فرهنگ ملی داشته باشد.

در این مجال دریافتیم، که روکرت در عمل با به کار بستن معیارهای عالی ترجمه قصد خلق اثری بدیع را داشته و انتقال انواع اشکال و قالبهای متن، ریتم و طنین مختلف به زبان آلمانی را در سر می‌پرورانده و تا حدود زیادی هم موفق شده است. او همزمان اهداف عالی عصر کلاسیک و رمانتیک آلمان را برآورده نموده است.

مهمترین ملاک نقد ترجمه، پی بردن به "تأثیر برابر" و یکسان متن اصلی و متن ترجمه شده بر خواننده در ترجمه اعلام شده است. در این راستا نیز مترجم موفقیت بزرگی را کسب کرده و با برآورده کردن اهداف یک متن دینی-ادبی به بازسازی کلیه ساختارها و ابعاد متن اصلی در زبان آلمانی همت بزرگی به خرج داده است؛ او همچنین ذوق و استعداد فراوانی را به اثبات رسانده و علاوه بر این پویایی و توانمندی زبان آلمانی را نیز به خوبی مورد سنجش قرار داده است.

ترجمه کلمه به کلمه هرگز ملاک تشخیص کیفیت یک ترجمه عالی نیست، بلکه پیام و خطاب برابر و تأثیرگذاری همسان هر دو متن اصلی و ترجمه است، که معیار اصلی را در انتقال بی‌عیب و نقص مطلب تشکیل می‌دهد، چون: "کیفیت یک ترجمه با تأثیر مساوی و برابر" متن اصلی و متن ترجمه شده بر خواننده قابل سنجش است. هر متن ادبی همانند تار و پود و نقش و رنگهای یک پارچه یا قالی زیبا و هنرمندانه ترکیب شده و امتزاج یافته است، که تأثیری بصری و معنوی بر خواننده دارد. در این مقاله به این نکته نیز پی‌بردیم، که ترجمه آلمانی فریدریش روکرت این حس را به علاقمندان خود از متون قرآنی در سطح بالایی انتقال می‌دهد. در نقد هر ترجمه‌ای و علی‌الخصوص ترجمه‌های قرآن کریم کیفیت‌های انتقال یافته از متن اصلی (عربی) به زبان مقصد (آلمانی) ملاک هستند و در اینجا تعداد آنها فراتر از حد تصور است، چون این ترجمه آلمانی بسیاری از کیفیت‌های محتوایی، شکلی و به ویژه ساختار آهنگین و ابعاد موسیقایی و هارمونی کلامی این کتاب بی‌نظیر را بر خوانندگان خود پدیدار می‌سازد.

پیشنهاد

از آنجا که ترجمه فریدریش روکرت از قرآن کریم تمامی سوره‌ها را در بر نمی‌گیرد و برخی از آیات و سوره‌ها به بازنگری و اصلاحاتی نیاز دارند، پیشنهاد می‌شود، که یک کارگروه مسلط به زبانهای عربی، فارسی و آلمانی تشکیل و این مهم را عهده‌دار گردد، تا نواقص برطرف گردیده و ترجمه نمونه و الگویی جدیدی با توضیحات و ملحقات لازم در زبان آلمانی به علاقمندان این کتاب عظیم آسمانی ارائه گردد.

منابع:

1. Bobzin, Hartmut: *Der Koran in der Übersetzung von Friedrich Rückert*; Ergon-Verlag, Würzburg 1996.
2. Bobzin, Hartmut: (Hrsg.) *Hafisische Vierzeiler in Übertragung von Friedrich Rückert*; In: Spektrum Iran; Zeitschrift für islamisch-iranische Kultur, Bonn 1989, 2. Jahrgang, Heft 4.
3. Budde, H. / Sievernich, G.: *Europa und der Orient: 800-1900 eine Annäherung*; Berliner Festspiele, Bertelsmann Lexikon 1989.
4. *Der Koran: in der Übersetzung von Friedrich Rückert*; hrsg. von H. Bobzin und W. Fischer, Ergon-Verlag, Würzburg 1996.
5. Fischer, Wolfdietrich: *Der Koran in der Übersetzung von Friedrich Rückert*; Ergon-Verlag, Würzburg 1996.
6. Gadamer, H. G.: *Wahrheit und Methode, Grundzüge einer philosophischen Hermeneutik*; 2. Aufl. J.C.B.Mohr Tübingen 1965.
7. Gasset, Jose Ortega y: *Glanz und Elend der Übersetzung*; In: Das Problem des Übersetzens; Hrsg. von H. J. Störig, Wege der Forschung, Band VIII, W.B., Darmstadt 1963.
8. Grombie, A. G.: *Griechisch-arabische Naturwissenschaften und abendländisches Denken*; In: Europa und der Orient: 800-1900 eine Annäherung; Hrsg. von Budde, H. und Sievernich, G.; Berliner Festspiele, Bertelsmann Lexikon 1989.
9. Koller, W.: *Einführung in die Übersetzungswissenschaft*; Heidelberg 1979.
10. Koppen, Erwin: *Die literarische Übersetzung*; in: Vergleichende Literaturwissenschaft; Theorie und Praxis, hrsg von Manfred Schmeling, A. V. Athenaion, L.W. Bd, 16, Wiesbaden 1981.
11. Levy, Jiri: *Die literarische Übersetzung, Theorie einer Kunstgattung*; Athenäum Verlag, Frankfurt / Bonn 1969.
12. Paepcke, Fritz: *Im Übersetzen leben, Übersetzen und Textvergleich*; Hrsg. Berger und Speier, Tübingen 1986 (32).
13. Prang, Helmut: *Friedrich Rückert, Geist und Form der Sprache*; Schweinfurt und Wiesbaden 1963.
14. Radjaie, Ali: *Das profan-mystische Ghasel des Hafis in Rückerts Übersetzung und in Goethes Divan*; Ergon-Verlag, Würzburg 1998.
15. Radjaie, Ali: *Einführung in die deutsche Literatur*; Literaturgeschichte, Epochen, Payame Digar Publikation, Arak 2016.

16. Reiß, Katharina: *Möglichkeiten und Grenzen der Übersetzungskritik*; Kategorien und Kriterien für eine sachgerechte Beurteilung von Übersetzungen, Max Hueber Verlag, München 1986.
17. Rückert, Friedrich: *Ausgewählte Werke*; Hrsg. von A. Schimmel, 2 Bde, Insel Verlag 1988.
18. Rückert, Friedrich: *Gesammelte poetische Werke*; in 12 Bänden, Sauerländer Verlag, Frankfurt 1868.
19. Schimmel, Annemarie: *Orientalische Dichtung in der Übersetzung F. Rückerts*; Sammlung Dieterich Bd 286, Bremen 1963.
20. Steinschneider, Moritz: *Die arabischen Übersetzungen aus dem Griechischen*; Nachdruck, Graz 1960.
21. Störig, H. J.: *Das Problem des Übersetzens*; Wege der Forschung, Band VIII, Darmstadt 1963.
22. Tgahrt, Reinhard: *Weltliteratur; Die Lust am Übersetzen im Jahrhundert Goethes*; Marbacher Kataloge 37, Hrsg. von B. Zeller, Deutsche Schillergesellschaft Marbach 1982.
23. Wuthenow, Ralph-Rainer: *Das fremde Kunstwerk, Aspekte der literarischen Übersetzung*; Palaestra Band 252, Vandenhock & Ruprecht Verlag, Göttingen 1969.

۱. پورجوادی، نصرا.: (ناشر) درباره ترجمه؛ مجموعه مقالات راجع به ترجمه، مرکز نشر دانشگاهی ۲۵۲، چاپ چهارم، تهران ۱۳۷۶.
۲. حدادی، محمود: مبانی ترجمه؛ انتشارات جمال الحق، چاپ سوم، تهران ۱۳۷۵.
۳. رجائی، علی: نشر و گسترش ادبیات مشرق زمین در آلمان؛ در: برگ سبز، به کوشش تورج رهنما، انتشارات آتنا ۱۳۷۸، ص. ۱۷-۳۵.
۴. رشیدی، غلامرضا: ترجمه و مترجم؛ آموزش اصول و قواعد اساسی ترجمه، درسنامه ...، آستان قدس رضوی، چاپ سوم، مشهد ۱۳۷۸.
۵. صلح جو، علی: گفتمان و ترجمه؛ نشر مرکز، تهران ۱۳۷۷.
۶. کبیری، قاسم: اصول و روش ترجمه؛ انتشارات رهنما، تهران ۱۳۷۴.
۷. کزازی، میرجلال الدین: ترجمانی و ترزبانی، کندوکاوی در هنر ترجمه؛ انتشارات جامی، چاپ دیبا، تهران ۱۳۷۴.
۸. مختاری اردکانی، محمدعلی: هفده گفتار در اصول، روش و نقد ترجمه؛ انتشارات رهنما، تهران ۱۳۷۵.
۹. هژبرنژاد، حسین: آیین ترجمه؛ انتشارات دو نور، تهران ۱۳۷۰.